

## علل عقب ماندگی تمدن اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری\*

### اشاره

با ظهور اسلام در حجاز و تربیت انسان‌های فرهیخته در مکتب پیامبر ﷺ، خورشید اسلام در فراسوی مرزهای جغرافیایی و فکری، پرتو افکند و «عصر طلایی تمدن اسلامی» شکل گرفت؛<sup>۱</sup> تمدنی که پزشکان اسلامی پانصد سال علمدار طب در جهان بودند<sup>۲</sup> و بزرگ‌ترین دانشمندان مانند ابن سینا، خوارزمی، فارابی، محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و ... به ترویج دانش در جهان می‌پرداختند؛ در حالی که جهان غرب در این دوره، گرفتار اندیشه‌های قرون وسطایی بود.<sup>۳</sup>

---

\* پژوهشگر و نویسنده.

۱. ر.ک: امیرعلی حسنیلو؛ «علل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی»؛ مجله صباح؛ شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۲. ذبیح الله صفا؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ص ۳۴۴ - ۳۴۷.
۳. ویل دورانت؛ تاریخ تمدن؛ ج ۴، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

متأسفانه تمدن بزرگ اسلامی با همه عظمت، شکوه، ارزش، جلال و گستردگی جغرافیایی و عمقی که داشت، از بین رفت.<sup>۱</sup> تا آنجا که مسلمانان برای وسائل ابتدائی زندگی ناچار شدند دست به دامن دیگران شوند، فرزندان خود را برای فرا گرفتن دانش، راهی دیار بیگانه کنند، در حالی که یک روز دانشگاه‌های مسلمانان برترین دانشگاه‌های جهان بود.

شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

قدر مسلم این است که پدیده‌ای درخشان و چراغی نورافشان به نام تمدن اسلامی، قرن‌ها در جهان وجود داشته و سپس این پدیده نابود و این چراغ خاموش شده است، و امروز مسلمانان با مقایسه با بسیاری از ملل جهان و مقایسه با گذشته پر افتخار خودشان، در حال انحطاط و تأخر رفت‌باری به سر می‌برند. طبعاً این پرسش پیش می‌آید که چطور شد مسلمانان پس از آن همه پیشروی و ترقی در علوم و معارف و صنایع و نظامات، به قهقرا برگشتند؟ مسؤل این انحطاط و سیر قهقرایی چیست و کیست؟<sup>۲</sup>

### علل و زمینه‌های عقب‌افتادگی

عوامل متعددی در این عقب‌ماندگی، نقش‌آفرین بودند که برخی از آنها عبارتند:

---

۱. ر.ک: احمدرضا بسیج؛ «تمدن اسلامی و دلایل زوال و انحطاط آن»؛ نشریه علمی

ترویجی معرفت، شماره ۱۰۹، دی ۱۳۸۵.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۳۵۰.

## ۱. برداشت‌های ناصحیح از دین

یکی از علل مهم عقب‌ماندگی مسلمانان، برداشت‌های ناصحیح، فاصله‌گیری از معارف دینی و ایجاد انحراف در آموزه‌های دینی است. این برداشت هم در حوزه معارف و عقاید و هم در حوزه علم و تمدن صورت گرفت. برخی برداشت نادرست از مفاهیم اسلام، هم‌چون اعتقاد به قضا و قدر، اعتقاد به آخرت و تحقیر زندگی دنیایی را از عوامل انحطاط جوامع اسلامی دانسته‌اند؛ چنانکه برخی از مستشرقین غرض‌ورز مسیحی و روشنفکران غرب‌گرای جهان اسلام، معتقدند که تعالیم اسلامی و اعتقاد به آن، موجب عقب‌ماندگی جهان اسلام شده است؛ از جمله عقیده به قضا و قدر الهی، بدین معنا که سرنوشت انسان از قبل تعیین شده است و تلاش انسان به نتیجه‌ای نمی‌رسد. چنین اعتقاداتی سبب شد مسلمانان بیشترین وقت و همت خویش را صرف عبادت، نماز و کسب عمل صالح کنند.

این برداشت از دین، نوعی مبارزه با اسلام است. قرآن تعریفی فراتر از فهم آنها دربارهٔ انسان دارد. اسلام انسان را موجودی با عقل و اختیار معرفی می‌نماید و آیات متعددی این حقیقت را بیان می‌کند، هم‌چنین روایات فراوانی که برای انسان کرامت قایل شده و او را در انتخاب راه هدایت آزاد دانسته‌اند، دلیل بر بی‌اساس بودن رویکرد فوق است. نتیجه چنین اعتقادی، به منزلهٔ پوچ و عبث بودن آفرینش انسان است،

---

۱. بقره: ۲۵۶: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ «در دین هیچ اجباری نیست»؛ انسان: ۳: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس» و نیز رک: فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع‌البیان؛ ج ۱۰، ص ۶۱۵.

در حالی که قرآن کریم در آیات متعددی انسان را از این اندیشه بازداشته و او را به تلاش در راه رسیدن به رشد دعوت نموده و جبرگرایی را باطل شمرده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup>.

فتوحات مسلمین در صدر اسلام و عدم نهی آنان از سوی پیامبر ﷺ در این زمینه، تشویق به کار و کوشش، عدم بی‌تفاوتی به دنیا و عمل به آن در سیره معصومین علیهم‌السلام مانند اشتغال امام علی علیه‌السلام به کشاورزی<sup>۲</sup>، بیانگر آن است که اعتقاد به معاد و آخرت نیز نمی‌تواند عامل انحطاط مسلمین باشد. گوستاو لوبون نیز معتقد است که اعتقاد به تقدیر و جبر، تأثیری در انحطاط مسلمین نداشته است و علل انحطاط مسلمین را باید در جاهای دیگری جستجو کرد.<sup>۳</sup>

در حوزه علم و تکنولوژی نیز این تصور به وجود آمده که دین با علم و تکنولوژی مخالف است. بر این اساس مسلمانان به جای پرداختن به علم و نوآوری‌های تکنولوژی، به مسایل فردی پرداختند. این نگرش موجب شد که مسلمانان از قافله تمدن عقب بمانند؛ این نگاه نیز صحیح نیست، زیرا اسلام نه تنها با علم و تکنولوژی مخالف نیست،

---

۱. رعد: ۱۱؛ «(اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند»، ر.ک: کهف: ۲۹؛ فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۶، ص ۴۳۱؛ سید محمد حسین طباطبایی؛ تفسیر المیزان؛ ج ۱۳، ص ۳۰۴.

۲. ر.ک: محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۳۹، ص ۴۲.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۳۶۲.

بلکه یکی از علل پیشرفت مسلمین در علوم این بوده است که در اخذ علوم، فنون، صنایع و هنرها تعصب نمی‌ورزیدند و علم را در هر نقطه و در دست هر کس می‌یافتند، از آن بهره‌گیری می‌کردند. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا»: «همانا دانش راستین، گمشده مؤمن است. هر جا آن را بیابد، خودش به آن سزاوارتر است». علی عَلِيٌّ نیز فرمود: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُمَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا»: «دانش راستین گمشده مؤمن است، پس آن را یافتی، فرا گیر.»

این روایات زمینه وسعت دید و بلندنظری و تعصب نداشتن مسلمین را در فراگرفتن علوم و معارف از غیرمسلمانان فراهم کرد و به اصطلاح در مسلمین «روح تساهل» و «تسامح» و عدم تعصب در مقام فراگیری و علم آموزی به وجود آورد.<sup>۳</sup>

جرجی زیدان در این باره می‌نویسد:

یکی از عوامل مؤثر در سرعت پیشرفت تمدن اسلام و ترقی و تعالی علوم و ادبیات در نهضت عباسیان، این بود که خلفا در راه ترجمه و نقل علوم، از بذل هر چیز گران و ارزان دریغ نداشتند و بدون توجه به ملیت و مذهب و نژاد، دانشمندان و مترجمین را احترام می‌گذازدند...<sup>۴</sup>.

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۲، ص ۹۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۱۶۷.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۴، ص ۳۹۴.

شهید مطهری نیز معتقد است:

عده‌ای از غربی‌ها به اسلام حمله می‌کنند و علت انحراف و انحطاط مسلمین را خود اسلام می‌دانند، ولی ... اسلام هیچ‌گونه مسئولیتی در انحراف مسلمین ندارد؛ بلکه مسلمین از تعالیم اجتماعی اسلام منحرف شده و به تبع آن به انحطاط کشیده شدند.<sup>۱</sup>

مسلمانان امروزی تنها مسلمانان جغرافیایی و شناسنامه‌ای‌اند، نه مسلمانان علمی و عملی. اسلام هرگز با بیکاری، تنبلی، تن‌پروری، دروغ‌گویی و ... سازگار نیست. سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌گوید:

عقب‌افتادگی مسلمین، ضخیم‌ترین پرده‌ای است که میان اسلام و ملت‌های اروپا، هایل و مانع‌گرایش آنان به اسلام شده است. ما هر گاه بخواهیم آزادی‌خواهان اروپا [دنیا] را به دین اسلام دعوت کنیم، اول باید آنان را قانع کنیم که ما مسلمانان واقعی نیستیم؛ زیرا آنان به ما به چشم مسلمان می‌نگرند، ولی مردمی را می‌بینند که میان‌شان جهل، ذلت، سستی و ... رواج یافته است.<sup>۲</sup>

## ۲. ضعف مراکز دینی

محدود شدن وظایف عالمان دینی به برپا داشتن مراسم احکام عبادی و بیان احکامی مانند طهارت و نجاست و ... و در حاشیه قرار گرفتن علوم دیگر، یکی دیگر از دلایل عقل‌افتادگی مسلمین است. حال آنکه اندیشمندان دینی باید به تمام ابعاد دین توجه کنند؛ زیرا عقاید و اخلاق نیز مانند فقه و احکام فقهی جزو دین هستند. گستره فقه‌اهل

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۹، ص ۱۰۳.

۲. زین‌العابدین قربانی؛ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین؛ ص ۱۲.

بیت السلامة شامل مکتب اقتصادی، سیاسی، مدیریت فقهی و... می شود، اما محققان اندکی به آن توجه کرده اند. امروزه صدها مسئله جدید اعتقادی و کلامی مطرح است که بدون کار جدی و تخصصی، امکان مقابله با آن وجود ندارد. حوزه های علمیه - اعم از اهل سنت و تشیع - باید معارف بلند اسلامی مانند سیاست و اقتصاد را مورد توجه قرار دهند؛ چنانکه در سده های اول صدر اسلام علوم مختلف مانند ریاضی، نجوم و پزشکی مورد توجه عالمان دینی بوده است.<sup>۱</sup> گام های بلند نظام جمهوری اسلامی در علوم مختلفی چون فن آوری، علوم نظامی، اقتصادی و ...، بیانگر آن است که بازگشت مسلمانان به هویت دینی و علمی خود، می تواند سبب فتح قله های موفقیت علمی و اقتصادی و ... شود.

### ۳. مصادره تمدن اسلامی توسط غرب

تعامل علمی و فرهنگی، از اصول پذیرفته ای است که همه جوامع بدان نیازمندند. در اسلام نیز این امر اتفاق افتاد. جرجی زیدان می گوید: «یکی از مزایای تمدن اسلامی این است که علوم پراکنده یونان، ایران، هند را به عربی نقل کرد و چیزهایی بر آن افزود و آن را ترقی داده و کامل کرد».<sup>۲</sup> آنچه از نظر اسلام نکوهش شده، تهاجم فرهنگی است. اروپا با مصادره تمدن اسلام، به رشد و شکوفایی چشمگیری رسید. دارو و درمان، اسلحه و نشانه های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری،

۱. آدام متز؛ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری؛ ص ۲۰۱-۲۰۹

2. <https://hawzah.net/Per/K/Asar14/mg1421.htm>

ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریانوردی، ریاضیات، طبیعیات، شیمی و هیئت، از تمدن اسلامی به اروپا منتقل شد. نفوذ تمدن اسلامی از راه بازرگانی، ترجمه کتب علمی عربی، مسافرت دانشوران به اندلس<sup>۱</sup> و ... سبب شکل‌گیری زیر ساخت تمدن غرب شد. استاد شهید مطهری می‌نویسد:

تمدن عظیم و حیرت‌انگیز جدید اروپایی که چشم‌ها را خیره و عقل‌ها را حیران کرده است و امروز بر سراسر جهان سیطره دارد، به اقرار و اعتراف محققین بی‌غرض غربی، بیش از هر چیز دیگر از تمدن باشکوه اسلامی مایه گرفته است.<sup>۲</sup>

گوستاو لوبون نیز می‌نویسد:

بعضی‌ها [از اروپاییان] عار دارند که اقرار کنند ... نفوذ اخلاقی همین اعراب زاینده اسلام، اروپا را داخل در طریق آدمیت نمود و نیز نفوذ عقلانی آنان، دروازه علوم و فنون و فلسفه را که از آن بکلی بی‌خبر بودند، به روی آنها باز کرد و تا ششصد سال استاد ما اروپاییان بودند.<sup>۳</sup>

دکتر ماکس میرهوف می‌نویسد: «خلاصه علوم شرق مانند باران رحمت بر خاک خشک اروپا بارید و آن را حاصل‌خیز ساخت. کم‌کم اروپاییان با علوم شرق آشنا شده، کتاب‌هایی در جراحی امراض زنانه و ناخوشی‌های چشم نوشتند».<sup>۴</sup>

۱. محمد ابراهیم آیتی؛ تاریخ حکومت مسلمین در اروپا؛ ص ۹۴.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۲۰.

۳. همان؛ ج ۱، ص ۳۴۸.

۴. ناصر مکارم شیرازی؛ اسرار عقب‌ماندگی شرق؛ ص ۵۸.



مصادره تمدن اسلام توسط غرب از یک سو و غفلت جهان اسلام از سوی دیگر، زمینه غروب تمدن اسلام را فراهم نمود. بی کفایتی امرای مسلمان و بی تفاوتی و جهل توده‌ها، سبب شد ملل استعمارگر به آسانی دستاوردهای تمدن اسلامی را به نفع خود مصادره کنند. شهید مطهری می‌نویسد:

... مسلمین به تدریج به خواب رفتند. هم‌زمان با این خواب، غرب مسیحی بیدار می‌شد. با استفاده‌های سرشار از سنت‌های اجتماعی و فرهنگی و علمی اسلامی، غرب، تمدن خود را بنا نهاد... آن خواب دیرینه و این هجوم استعمار، ملت‌های اسلامی را روز به روز اسیرتر و خودباخته‌تر ساخت.<sup>۱</sup>

#### ۴. حکومت‌ها و کارگزاران فاسد

حکومت‌ها نقش اساسی در نهادینه‌سازی و گسترش تمدن یک جامعه دارند؛ همان‌گونه که غرب این نقش را به خوبی ایفا نمود. خارج شدن رهبری جامعه از دست صاحبان اصلی حکومت اسلامی - اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله - و رهبران واقعی جامعه توسط حاکمان غاصب و بردگان دغلكار و نیرنگ‌باز، یکی از علت‌های عقب‌ماندگی مسلمانان است. عدم استقلال بسیاری از رهبران سیاسی اسلام که فقط به فکر حفظ قدرت، جمع‌آوری اموال و عیاشی بودند،<sup>۲</sup> مانع پیشرفت مسلمانان شد. امام خمینی رحمته الله علیه فرموده است:

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۴، ص ۴۶.

۲. گوستاو لوبون؛ تمدن اسلام و عرب؛ ص ۷۷۰ و ۸۰۷.

مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان به ابرقدرت‌های چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده‌اند. اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته شود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حل آن به دست ملت ماست.<sup>۱</sup>

### ۵. خودباختگی

از مهم‌ترین عوامل بالندگی و رشد فرد و جامعه، باور به خود و توانایی‌های خویش و اعتماد و ایمان به این حقیقت است؛ خودباختگی، خودکم‌بینی و احساس حقارت در برابر دیگران، سرافکنندگی، شکست و عقب‌ماندگی انسان را در پی دارد. این اصل مسلم روان‌شناسی بر جوامع اسلامی غرب‌زده امروز صدق می‌کند؛ شیوه تفکر و عملکرد مسلمانان به ویژه برخی اقشار تحصیل کرده و روشنفکر به گونه‌ای است که گویا سخن دانشمند غربی و غرب‌زده آسمانی و وحیانی است و مغز انسان اروپایی و آمریکایی از دیگران بیشتر و حقایق تنها به آنان الهام می‌شود. مسلمین در عصر سیادت علمی و فرهنگی خود با توکل به خدا، به این اصل مسلم قرآنی «شما از دیگران بالاترید، اگر مؤمن باشید»<sup>۲</sup> باور داشتند و بر این اساس دنیای اروپا را وامدار تمدن اسلامی خود کردند.<sup>۳</sup>

تمایل شدید رهبران خودباخته جوامع اسلامی به غرب و القای عدم

۱. روح الله خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱۲، ص ۲۷۸.

۲. آل عمران: ۱۳۹.

پیشرفت کشورهای اسلامی بدون تمدن شرق و غرب، سبب از بین رفتن این استقلال شد. امام خمینی علیه السلام می گوید:

از جمله نقشه‌هایی که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است؛ به طوری که خود و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند ... غم انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستمدیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشتند... که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته، مطیع فرمان هستیم...<sup>۱</sup>

#### ۶. عدم تلاش برای توانمندی علوم

حفظ تمدن، نیازمند کار و تلاش همه افراد جامعه، به ویژه حکومت و نسل جوان است. تمدن اسلام با جهاد فکری، علمی و یادگیری فنون نظامی به وجود آمد، اما این امر ادامه نیافت. قرآن مسلمانان را به تقویت فنون و قدرت‌مندی نظامی فرا خوانده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»<sup>۲</sup> «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! (هم‌چنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن

۱. روح الله خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۲۱، ص ۴۱۴.

۲. انفال: ۶۰؛ نیز ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۲۲۱.

خدا و دشمن خویش را بترسانید». اما مسلمانان آموزه‌های دینی را فراموش، و جهاد علمی را ترک کردند. یکی از نویسندگان می‌نویسد:

آری؛ جهاد در صحنه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی به دست فراموشی سپرده شده و حُبّ نفس و عشق به دنیا و راحت‌طلبی و کوتاه‌نگری و اغراض شخصی بر آنها چیره شده تا آنجا که کشتگانشان به دست خودشان، بیش از کشتگانی است که دشمن از آنها قربانی می‌گیرد.<sup>۱</sup>

متأسفانه اکنون اکثر کشورهای اسلامی به بازاری برای خرید و فروش کالا و ادوات و سلاح‌های نظامی غرب تبدیل شده است تا آنجا که اگر یک روز غربی‌ها صادرات سلاح‌های خود را قطع کنند، بیشتر کشورهای جهان اسلام دچار مشکل جدی می‌شوند؛ چنانکه عربستان بدون سلاح و ابزار نظامی آمریکا، توان دفاع از خود را ندارد.

این در حالی است که جهان اسلام بار دیگر می‌تواند تمدن اسلامی را احیا کند، زیرا همان ظرفیت و عوامل تمدن‌ساز در جهان اسلام معاصر نیز وجود دارد. از جمله آن عوامل: علم، تعاون، وحدت است. چنانکه در قرآن به علم و تعاون در کارهای خیر تأکید شده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟». «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»<sup>۳</sup> «و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری».

۱. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۶، ص ۳۵۰ - ۳۵۱.

۲. زمر: ۹.

۳. مائده: ۲.

امروزه نیز جهان اسلام با سرمایه عظیم علمی و با همکاری و تعاون می‌تواند قله‌های رفیع تمدن را فتح کند، همان گونه که جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی تمدن اسلامی را احیا نموده، و در حال توسعه عرصه‌های دیگر آن است. از این رو رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) از چله انقلاب به عنوان چله پرافتخار یاد و «گام دوم انقلاب» را در قالب مثلث «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن سازی» ارائه داد.

بر این اساس جمهوری اسلامی می‌تواند الگوی مناسبی برای تمدن‌سازی در جهان اسلام باشد.

#### ۷. گسترش ناهنجاری‌ها

هم‌چنانکه ارزش‌های جامعه دینی با ارزش‌های جامعه غیر دینی تفاوت دارد، علم و تمدن جوامع دینی نیز با تمدن جوامع غیر دینی متفاوت است. آمیختگی تمدن با ناهنجاری در جامعه دینی، سبب از بین رفتن جامعه دینی یا محو شدن آن در تمدن دیگری می‌شود. یکی از علل عقب‌ماندگی اسلام، در آمیخته شدن تمدن اسلام با ناهنجاری‌هایی بود که هم از خارج و هم از داخل، بدان تزریق شد. شهید مطهری می‌نویسد:

تاریخ بشر نشان می‌دهد که هر گاه قدرت‌های حاکم می‌خواهند جامعه‌ای را تحت سلطه خود قرار دهند و آن را استعمار کنند، تلاش می‌کنند تا روح جامعه را فاسد کنند و برای این منظور، تسهیلات شهوترانی را برای مردم زیاد می‌کنند و آنها را به شهوترانی ترغیب می‌کنند. نمونه عبرت‌انگیزی از این شیوه کثیف، فاجعه‌ای بود که در

اسپانیای مسلمان ... اتفاق افتاد. مسیحیان برای خارج کردن اسپانیا از چنگ مسلمانان، از راه فاسد کردن روحیه و اخلاق جوانان مسلمان وارد عمل شدند.<sup>۱</sup>

اکنون نیز استعمار هر جا که پا می‌گذارد، می‌کوشد تا دل‌ها را فاسد کند. دل که فاسد شود، نه تنها از عقل کاری نمی‌آید؛ بلکه خود تبدیل به زنجیر بزرگ‌تری بر دست و پای انسان می‌شود. از همین روست که استعمارگران از باز کردن مدرسه و دانشگاه بیم ندارند و حتی خود به تأسیس آن اقدام می‌کنند.<sup>۲</sup>

#### ۸. اختلاف و غیریت‌سازی

یکی از عوامل مهم عقب‌ماندگی جهان اسلام، غیریت‌سازی است. این امر از سویی افکار عمومی و عالمان جامعه را درگیر تفرقه کرد که سبب ضربه زدن به پیروان مذاهب دیگر شده و جامعه را از تمدن سازی باز داشت.<sup>۳</sup> از سوی دیگر اختلافات موجب از بین رفتن کتب علمی و دانشمندانی شد که می‌توانستند سبب پیشرفت تمدن اسلامی شوند. چنانکه امروزه نیز استعمار دانشمندان هسته‌ای ما را به شهادت رساند تا مانع پیشرفت ایران اسلامی شود. شهید مطهری می‌نویسد:

با وجود جنگ‌های مستمر در جهان اسلام، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، وحدت و پیشرفت جای خود را به نفاق و خونریزی داد و تا کنون

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۶، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. زین العابدین قربانی؛ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین؛ ص ۴۳۸.

این روند استمرار دارد. جنگ‌های داخلی قدرت طلبانه، جنگ‌های فرقه‌ای، قومی و کتابسوزی‌ها، ویران کردن مظاهر تمدن اسلام و ارزش‌های دینی که انرژی و نیروی فکری و جسمی را تلف کرده و امنیت و رفاه و آسایش را که بنیان تفکر و تولید علم است، از بین برده بود؛ بزرگ‌ترین مانع ترقی و پیشرفت بود.<sup>۱</sup>

## ۹. جنگ‌ها

جنگ‌های خارجی و داخلی همیشه به نوعی در افول تمدن‌ها نقش داشته‌اند، اما این مسئله در مورد تمدن اسلامی، به گونه‌ای دیگر است. هیچ یک از تمدن‌های تاریخ مانند تمدن اسلام، دچار ویرانی ناگهانی نشد. فتح روم توسط بربرها به تدریج و در دو قرن صورت گرفت و در فاصله هر حمله تا حمله بعدی، قسمت تصرف شده می‌توانست تجدید قوایی کند؛ اما چهل سال تاخت و تاز مغولان، نه به نیت فتح، بلکه به نیت کشتن و غارت کردن بود. آنچه از موج خونین مغول باز ماند، اقتصادی به شدت آشفته، قنات‌هایی ویران یا کور، مدرسه‌ها و کتاب‌خانه‌هایی سوخته، دولت‌هایی فقیر و ناتوان از اداره کشور بود. در کشتار مغولان، هزاران دانشور، عالم و شاعر تلف شد، کتابخانه‌ها و گنجینه‌هایی ارزشمند ویران یا غارت شد و صدها هزار جلد کتاب سوخت.<sup>۲</sup> از نظر جرجی زیدان، کشتار و غارتگری چنگیز و سپاهیان‌ش در تاریخ بشریت بی‌سابقه بود.<sup>۳</sup> غارت‌گری هلاکو و تیمور لنگ پس از

---

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۶، ص ۲۷۳.

۲. ویل دورانت؛ تاریخ تمدن؛ ج ۴، ص ۴۲۳-۴۳۱.

۳. جرجی زیدان؛ تاریخ تمدن اسلام؛ ص ۸۵۷.

چنگیزخان، منجر به تسخیر خراسان و گرگان .... و به آتش کشیدن ۱۰۴۰۰ جلد کتاب خطی یکی از کتابخانه‌های معتزله و شیعه، کشته شدن ۲۴ هزار تن از روشن‌فکران پس از فتح بغداد، به آب انداختن و نابود کردن توده‌های عظیم کتاب‌های خطی و ایجاد سدی از کتاب در رودخانه دجله و آتش زدن دیگر کتب شد.<sup>۱</sup>

جنگ‌های صلیبی و حمله مغول به عنوان نمونه‌ای از این حملات خارجی، تأثیر فراوانی در انحطاط مسلمین داشت. گوستاو لوبون می‌نویسد:

در جریان جنگ‌های صلیبی که لشکری از مسیحیان به شهرهای اسلامی هجوم آوردند، یکی از تفریحات‌شان این بود که کودکانی را که بر سر راه می‌دیدند، می‌گرفتند و قطعه قطعه می‌کردند و سپس در آتش می‌سوزانند ...! جنگ‌جویان صلیب به این کشتار اکتفا نکردند؛ بلکه هشتاد هزار کتاب را به آتش کشیدند.<sup>۲</sup>

امروز نیز استعمار غربی در قرون اخیر، چونان ماری سمی و خطرناک خون مسلمانان را مکیده و کمر آنان را در زیر فشار مظالم خود خم نموده است.<sup>۳</sup>

---

۱. علی مظاهری؛ زندگی مسلمانان در قرون وسطی؛ ص ۲۳۸.

۲. ر.ک: احمدرضا بسیج؛ «تمدن اسلامی و دلایل زوال و انحطاط آن»؛ نشریه علمی ترویجی معرفت، شماره ۱۰۹، دی ۱۳۸۵.

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۳۵۶.